

عنوان مقاله:

مقایسه نظریه آینده متعالی با مرگ اندیشی خیام

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 18، شماره 35 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

زهره ملاکی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس (نویسنده مسئول)

سید علی افشین - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس

فریده سادات حسینی - استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خلیج فارس

خلاصه مقاله:

اندیشیدن درباره ی مرگ و سخن گفتن از آن یکی از بن مایه های رایج در ادبیات و جریان اندیشه های هر ملت است. به دلیل ناشناخته بودن این پدیده، هریک از اندیشمندان بسته به فرهنگ و درک مخاطبانشان به تعبیرهای متفاوتی از مرگ و مرگ اندیشی روی می آورند و معانی متفاوت و متناقضی از آن به دست می دهند که این مساله در گذشته ی ادبی ایران به اشکال گوناگون نشان داده شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با مقایسه مرگ اندیشی از دیدگاه عمر خیام رباعی سرای دانشمند قرن پنجم هجری و دیدگاه پژوهشگران جدید غرب مانند زیملباردو تفاوتها و شباهت های آنها را نشان دهد. این پژوهش از نوع تحلیل مقایسه ای است که با استفاده از منابع کتابخانه ای با استناد به منابع پژوهشی مکتوب انجام گرفته است. پرسش اصلی مقاله این است که تفکر مرگ اندیشی در دو دیدگاه چه معنایی دارد یافته های حاصل پژوهش نشان می دهد که عمر خیام بیشتر نگاهی بدبینانه و مادی به مرگ و مقوله های مرگ دارد و از مفاهیمی چون خوشباشی، دم غنیمت شمری، پوچی مرگ استفاده می کند در حالی که آینده متعالی دارای یک دید خوش بینانه نسبت به مرگ است و از مفاهیمی مانند خودکشی، سازندگی و توجه مثبت استفاده می کند.

کلمات کلیدی:

مرگ اندیشی، آینده متعالی، خیام، زیملباردو، بوید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1044513>

